Original Article Open Access

Child Rights Journal

2023; 5(19): 47-67

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity

The Iranian Association of Medical Law

The Iranian Association of Child Rights

The Approach of the Law on the Protection of Children and Adolescents against Child Victimization

Akbar Nasr Esfahani[1]*, Mahmoud Ashrafi[1]

1. Department of Law, Faculty of Islamic Governance, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In Iran's criminal policy, before the adoption of the Law on the Protection of Children and Adolescents approved in 2019, we were faced with the lack of a comprehensive law in the field of facing dangers that threaten children. By drafting the above-mentioned law, while separating childhood from adolescence and differentiating some protective measures for each of these two categories, predicting a criminal reaction in the case of the failure of caregivers and protectors of children and adolescents to perform their duties, specializing and tolerant parts Regulations have been established to deal with crimes against children and teenagers and to prevent the legitimate causes of crime from spreading to cases of child abuse. It is obvious that planning for the training of those who are assigned duties in the law, as well as the existence of interaction between the bodies that are responsible for the duties in the law, has led to the success of the criminal policy in order to provide maximum criminal and non-criminal protection for children and adolescents. It will become the basis of the new law. The purpose of the above research is to investigate the types of child abuse in the Law on Protection of Children and Adolescents approved in 2019.

Method: In this article, descriptive and analytical methods are used to collect information.

Conclusion: The research showed that it is necessary to provide conditions for children to become familiar with their rights through mass communication, conferences, seminars, etc. And those who have the duty to care and maintain him should announce. In addition, with the financial support of government organizations (welfare organization and Imam Khomeini's relief committee) and non-governmental organizations (such as: Working Children's Support Association, Mehr Hasti Children's Association, Helpless Children's Support Institute) and taking into account a special budget that has an impact plays a major role in shaping the future of children, we can hope that many criminal titles will not be realized. Because many crimes have an economic background. Therefore, it is better to nip the criminalization in the bud before its growth leads to the destruction of social order and violation of people's rights.

Keywords: Children and Adolescents; Protection; Violence; Enforcement Guarantee; Differential Policy

Corresponding Author: Akbar Nasr Esfahani; **Email:** Nasr.law77@gmail.com

Received: May 07, 2023; **Accepted:** September 01, 2023

Please cite this article as:

Nasr Esfahani A, Ashrafi M. The Approach of the Law on the Protection of Children and Adolescents against Child Victimization. Child Rights Journal. 2023; 5(19): 47-67.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد

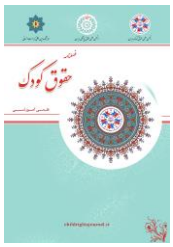

فصلنامه حقوق کودک

دوره پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۶۷-۴۷

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

رویکرد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در برابر بزه‌دیدگی کودکان

اکبر نصر اصفهانی[1]*، محمود اشرافی[1]

۱. گروه حقوق، دانشکده حکمرانی اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در سیاست جنایی ایران تا قبل از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، در زمینه مواجهه با مخاطراتی که کودکان را تهدید می‌کند، با فقدانِ قانونی فراگیر رو به رو بودیم. با تدوین قانون فوق‌الذکر، ضمن جداسازی دوران طفولیت از نوجوانی و افتراقی‌کردن پاره‌ای اقدامات حمایتی برای هر کدام از این دو دسته، پیش‌بینی واکنش کیفری در مورد کوتاهی مراقبین و محافظین اطفال و نوجوانان در انجام وظایف خود، تخصصی و تسامحی‌کردن بخش‌هایی از رسیدگی به جرائم علیه اطفال و نوجوانان و جلوگیری از گسترش علل موجهه جرم به موارد کودک‌آزاری، مقرراتی ایجاد شده است. بدیهی است برنامه‌ریزی برای آموزش کسانی که در قانون برای آنان وظایفی تعیین شده است و نیز وجود تعامل بین ارگان‌هایی که در قانون تکالیفی را عهده‌دار شده‌اند، منجر به موفقیت سیاست جنایی به جهت حمایت حداکثری کیفری و غیر کیفری از اطفال و نوجوانان بر اساس قانون جدید خواهد شد. هدف از تحقیق فوق بررسی اقسام بزه‌دیدگی کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ است.

روش: در این مقاله از روش توصیفی ـ تحلیلی و گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: پژوهش نشان داد، لازم است شرایطی فراهم کنیم تا از طریق (وسایل ارتباط جمعی، همایش‌ها، سمینارها و...) کودکان با حقوق خود آشنا گردند و به محض وقوع کودک‌آزاری یا قرارگرفتن در شرایط خطرناک به والدین و کسانی که وظیفه مراقبت و نگهداری از او را دارند، اعلام نمایند. افزون بر این با حمایت مالی سازمان‌های دولتی (سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی) و مردم‌نهاد (نظیر انجمن حمایت از کودکان کار، انجمن کودکان مهر هستی، مؤسسه حمایت از کودکان بی‌پناه) و در نظرگرفتن بودجه اختصاصی که تأثیر عمده‌ای در آینده‌سازی کودکان دارد، می‌توان امیدوار بود بسیاری از عناوین مجرمانه تحقق نیابد، چراکه بسیاری از جرائم پیشینه اقتصادی دارند، لذا بهتر است زمینه بروز جرم‌انگاری را در نطفه از بین برد تا هنگامی که رشدش باعث از بین‌رفتن نظم اجتماعی و پایمال‌شدن حقوق افراد گردد.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان؛ حمایت؛ خشونت؛ ضمانت اجرا؛ سیاست افتراقی

نویسنده مسئول: اکبر نصر اصفهانی؛ **پست الکترونیک:** nasr.law77@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۶/۱۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Nasr Esfahani A, Ashrafi M. The Approach of the Law on the Protection of Children and Adolescents against Child Victimization. Child Rights Journal. 2023; 5(19): 47-67.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

کودکی با توجه به جنبه‌ها و ویژگی‌های خاص این دوران همواره موضوع مطالعات جرم‌شناسی و حقوق کیفری بوده است، زیرا صغار در مقابل بزه‌دیدگی و بزهکاری صدمه‌پذیری بیشتری نسبت به بزرگسالان دارند. بنابراین کودکان بزهکار در مراجع قضایی اختصاصی و در چهارچوب آیین دادرسی ویژه محاکمه می‌شوند و در کانون‌های اصلاح و تربیت از اقدامات تربیتی برخوردار می‌گردند و بدین‌جهت هدف حقوق جزا حمایت و ایمن‌کردن کودکان بزه‌دیده و بزهکار در مقابل تکرار بزه‌دیدگی و تکرار جرم است.

کودکان به سه طریق ممکن است موضوع حقوق جزا قرار گیرند، گاه به عنوان مرتکب جرم و تحت عنوان کودکان بزهکار یا معارض قانون مطرح می‌باشند، گاه وسیله ارتکاب جرائم قرار می‌گیرند و گاه مستقیماً بزه‌دیده یا آسیب‌دیده جرم واقع می‌شوند که در حالت کنونی، موضوع جرائم علیه کودکان مطرح می‌گردد.

از دیدگاه جرم‌شناسی گستره تدابیر روان‌شناختی ـ اجتماعی برای مداخله در پیشگیری از رفتارهای کژروانه یا پایان‌دادن به عواملی که کودک را در آستانه خطر قرار می‌دهد، ضروری است. در مورد این افراد ممکن است جابه‌جایی نقشه بزهکار و بزه‌دیده بسیار متداول باشد و به همین دلیل با اصطلاحی به نام کودک در معرض خطر یا در وضعیت مخاطره‌آمیز رو به رو می‌شویم که در صورت عدم حمایت از وی و با ادامه وضعیت خطرزا ممکن است در آینده به بزه‌دیده تبدیل شود.

مهم‌ترین ویژگی کودکان، آسیب‌پذیری آن‌هاست و به لحاظ اینکه بیش از افراد بزرگسال در معرض تعرض، آزار و اذیت می‌باشند، به همان نسبت باید بیش از سایرین مورد حمایت قرار گیرند. با توجه به آمارهای منتشرشده امروزه میزان اعمال مخرب و جنایی علیه کودکان در دنیا افزایش یافته است. طی دهه‌های اخیر، در اکثر نقاط جهان شواهد زیادی بر پایه نقض حقوق کودکان به دست آمده که مدل‌هایی از این وضعیت‌ها، گوینده وضع اسف‌بار شمار زیادی از کودکان در جهان امروزی بوده و میلیون‌ها کودک مورد تجاوز و خشونت به ویژه خشونت‌های خانگی قرار گرفته‌اند.

در نظام حقوقی ایران، باب دوم از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به جنحه و جنایت نسبت به اطفال اختصاص یافته و طی مواد ۱۹۵ تا ۲۰۳ جرائمی از قبیل امتناع از تحویل طفل به اشخاص ذی‌حق، رهاکردن طفل در نقاط خالی از سکنه یا در آبادی و... را جرم‌انگاری نموده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ مواد ۸۹ الی ۱۰۰ این قانون تحت عنوان جرائم علیه اشخاص و اطفال تعدادی از جرائم مذکور در قانون مجازات عمومی سابق را با تغییراتی متذکر گردید. در سال ۱۳۷۵ در قانون تعزیرات، تجدید نظر به عمل آمد و فصل هفدهم قانون اخیر به جرائم علیه اشخاص و اطفال اختصاص یافت. این فصل ضمن ایجاد جرائم جدید مصادیقی از جرائم علیه کودکان را در خود جای داده است که از آن جمله می‌توان به سقط جنین، قتل فرزند، ضرب و جرح کودک، امتناع از تحویل طفل به افراد ذی‌حق، رهاکردن طفل در محل خالی از سکنه، ترک انفاق کودک و... اشاره نمود.

با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ برای نخستین‌بار کودک‌آزاری را جرم‌انگاری نمود و آن را از جرائم عمومی برشمرد و کودکانی که مورد بزه‌دیدگی ناشی از جرائمی مانند قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر، بهره‌کشی، سوءاستفاده جنسی و... بودند، در این قانون مورد توجه قرار گرفتند. متعاقباً قوه قضاییه تحقیقاتی را در جهت به روزبودن قانون حمایت از کودکان و نوجوانان آغاز نمود و پس از انجام تحقیقات میدانی، کتابخانه‌ای و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

تطبیقی گسترده، لایحه‌ای را تنظیم نمود که در سال ۱۳۸۷ در جلسه مسئولین عالی قضایی به بحث گذارده شد تا کلیت آن بررسی شود. در خلال این سال‌ها قانونگذار با تصویب قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ از حمایت کودکان غافل نشد و در بخش‌های مختلفی به این امر پرداخت. با این حال به دلیل حساسیت موضوع و برطرف‌کردن ضعف‌ها و کاستی‌های قانون ۱۳۸۱ و لایحه حمایت از کودکان ۱۳۸۷ و یکپارچه‌کردن دیگر قوانین بالاخره در سال ۱۳۹۹ منحصراً قانونی را جهت حمایت هرچه بیشتر از کودکان تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به تصویب رساند. مطابق نظریات مقنن تلاش گردیده از کودک بزه‌دیده یا در معرض خطر حمایت ویژه‌ای به عمل آید که عمده محورهای آن عبارت است از: ۱ـ حمایت ویژه از طریق جرم‌انگاری‌های خاص؛ ۲ـ حمایت ویژه از طریق تشدید مجازات بزهکاران، تشدید مجازات با توجه به شخص بزهکار از جمله والدین، سرپرستان یا اولیای قانونی کودک، کارکنان دولت و نهادهای دولتی با سوءاستفاده از قدرت؛ ۳ـ تشدید مجازات با توجه به سن بزه‌دیده؛ ۴ـ تشدید کلی مجازات جرائم علیه کودکان.

تدابیر حمایتی اجتماعی اتخاذشده در این قانون نسبت به کودک بزه‌دیده یا در معرض خطر شامل ایجاد تشکیلات حمایتی خاص است که در نهادهای مختلف، از جمله دادگستری، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و... تشکیل می‌شود. نوع دیگر حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر، حمایت از آنان در مرحله رسیدگی به جرم در دادگاه است که توسط مددکاران اجتماعی و افراد متخصص صورت می‌گیرد، این افراد به وضعیت خطر رسیدگی کرده و چنانچه وضعیت مخاطره‌آمیز در حد بیم ورود آسیب یا صدمه جسمانی روانی باشد و نیاز به خروج کودک از محیط خطر باشد، این اقدام توسط تشکیلات حمایتی مذکور صورت می‌گیرد. این تدابیر، قانون جدید را در جایگاه مناسبی از جهت تأثیرگذاری در باورهای فرهنگی نسبت به کودکان قرار می‌دهد، به طوری که انتظار می‌رود به مرور زمان، با اجرایی‌شدن قانون این دیدگاه که کودک فرد مستقلی از خانواده و سرپرستان خود و صاحب حقوق مستقل است، تقویت و گسترش یابد. از سوی دیگر، اثرگذاری این قانون با توجه به پدیده اجتماعی‌بودن خشونت علیه کودکان، به تنهایی و فارغ از ارتقای وضعیت اقتصادی و معیشت و بهبود مشکلات اجتماعی و فرهنگی میسر نیست. به هر حال اجرایی‌شدن این قانون در صورتی که با هوشمندی مراجع قضایی و نهادهای دولتی و غیر دولتی و همراهی افراد جامعه در عمل و اجرا همراه شود، نتایج مثبت غیر قابل انکاری را ایجاد خواهد کرد.

۱. پرسش‌ها: ۱ـ تدابیر قانونگذار در مواقع کودک‌آزاری چیست؟؛ ۲ـ عمده‌ترین عوامل بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در جرائم علیه تمامیت جسمانی، روحی و روانی کدامند؟

۲. پیشینه تحقیق: مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل خطر و راهکارهای حمایتی از کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹» توسط سجاد عباسی و همکاران منتشره در نشریه آموزه‌های حقوق کیفری در سال ۱۴۰۰ تدوین شده است. هدف این مقاله بررسی تأثیر شرایط زندگی در ارتکاب جرم است. با توجه به مقاله فوق کودکان در شرایط زندگی یکسانی قرار ندارند و برخی از آن‌ها ناخواسته در وضعیتی قرار می‌گیرند که زمینه ارتکاب بزه را به وجود می‌آورد. این وضعیت را به مانند وضعیت مخاطره‌آمیز تعبیر کرده‌اند.

مقاله‌ای تحت عنوان «جلوه‌های سیاست افتراقی کیفری در قبال کودکان بزه‌دیده با نگاهی به قانون حمایت از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹» توسط بهرام جعفری تدوین شده است. هدف از این تحقیق اعمال سیاست‌های افتراقی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی و کاهش و رفع آثار آن و نیز ممانعت از بزه‌دیدگی مکرر کودکان است.

مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تحلیلی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و ارزیابی تطبیقی آن با یافته‌های جرم‌شناسی و اسناد بین‌المللی حقوق کودک» توسط حمزه صفری‌زاده در بهار ۱۴۰۱ تدوین شده است که هدف از این مقاله بررسی و تحلیل قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، مشخص‌نمودن امتیازات، معایب و اشکالات آن و از طرف دیگر مقایسه آن با یافته‌های علم جرم‌شناسی و نیز مطالعه تطبیقی آن با اسناد بین‌المللی و حقوق بشر کودکان است.

روش

هدف از تحقیق فوق بررسی اقسام بزه‌دیدگی کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ است. در این مقاله از روش توصیفی ـ تحلیلی و گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

یافته‌ها

۱. اقسام بزه‌دیدگی کودکان: خشونت علیه کودکان می‌تواند در انواع مختلف بزه‌دیدگی جسمانی، روانی و جنسی بروز یابد که ذیلاً به توضیح هر یک از انواع بزه‌دیدگی می‌پردازیم:

۱-۱. بزه‌دیدگی جسمانی (آزار جسمی کودکان): به هر نوع برخورد فیزیکی خطرناک که به سلامت جسمی کودک آسیب برساند، گفته می‌شود. این شامل هر نوع ضربه‌زدن به بدن کودک با دست، پا، ابزار، وسایل و... یا فشاردادن بدن کودک به شکل شدید و ناگهانی که می‌تواند باعث شکستگی‌ها و صدمات جدی شود یا هر نوع برخورد با بدن کودک که باعث آسیب، جراحت و زخمی‌شدن نقاط مختلف بدن می‌شود یا سوزاندن بدن کودک با اجسام گرم، مواد شیمیایی و... یا هر نوع برخوردی با جسم کودک که باعث درد، ناراحتی و آسیب روحی می‌شود.

۱-۱-۱. قاچاق کودکان: قاچاق انسان واقعه ترسناکی است که در قرن بیست‌ویکم جامعه جهانی را مورد تهدید قرار می‌دهد (۱). بنا بر بعضی اظهار نظرها، قاچاق افراد امروزه در بین سوداگری جنایات سازمان‌یافته، بعد از قاچاق مواد مخدر سریع‌ترین رشد را پیدا کرده است و توسط شبکه‌های ناشناس که گوی سبقت را از سندیکاهای جنایت کارانه سنتی ربوده‌اند، اداره می‌گردد (۲). تحقیقات نشان می‌دهند بیش از ۲۰۰ میلیون نفر به صور مختلف در سلطه یا اختیار قاچاقچیان انسان هستند. ۴۰۰ سال برده‌داری منجر به بردگی ۱۱/۵ میلیون نفر آفریقایی شد، ولی در دهه‌های گذشته بیش از ۳۰ میلیون کودک و زن از آسیای جنوب شرقی به مقاصد جنسی و کار سخت، قاچاق گردیده‌اند. با تشدید این موضوع از دهه‌های ۱۹۹۰ میلادی، دبیر کل سازمان ملل به عنوان «طاعونی جهانی» از آن یاد کرد (۳). در حقیقت قاچاق کودکان موضوعی جهانی است که تمامی کشورهای جهان را در شبکه پیچیده‌ای از یک حرکت غیر قانونی به هم متصل می‌سازد و سالانه حدود ۱/۲ میلیون کودک را گرفتار خود می‌نماید (۴). علل ریشه‌ای قاچاق انسان چندگانه و پیچیده است (۵) که می‌توان فقدان تحصیل، طبقه اجتماعی پایین کودکان دختر، آگاهی در سطح عمومی و نبود فرصت‌های شغلی را جزء عوامل آن برشمرد. کودکان قبایل و اقلیت‌ها، کودکان ساکن در اردوگاه‌های پناهندگی و کودکان فاقد تابعیت یا فاقد مدرک شناسایی به طور ویژه آسیب‌پذیرند (۶). با توجه به میزان خطرناکی و تأکید جامعه جهانی بر جلوگیری از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

این رفتار، قانونگذار داخلی مجاب شد تا با تدوین قانونی تحت عنوان قانون قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ با ارتکاب این جرم و زمینه‌های آن مبارزه نماید. نکته قابل توجه اینکه به موجب تبصره ۱ ماده ۳ قانون مذکور: چناچه فرد قاچاق‌شده کمتر از هجده سال تمام داشت و عمل ارتکابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نبود، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌گشت، لیکن با تصویب ماده ۵۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تبصره نامبرده نسخ گردید، بدین‌نحو ماده ۱۲ قانون مذبور در جهت اصلاح مجازات پیشین اذعان دارد: هر کس مرتکب قاچاق اطفال و نوجوانان شود، به مجازات حبس درجه سه قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. بر اساس مجازات مندرجه در قانون جدید به نظر می‌رسد قانونگذار با تشدید کیفر تصمیم دارد اشخاصی که با قاچاق کودکان به دنبال مقاصد پلید هستند، مرعوب سازد. انتظار می‌رود نتیجه این ارعاب به کاهش قاچاق کودکان منجر شود.

توجه به گونه‌شناسی قاچاق انسان در پرتو اهدافی که قاچاق کودکان به سبب آن صورت می‌گیرد تا میزان بالایی این رویکرد اقتصادی را در مبارزه با قاچاق اطفال و نوجوانان تقویت می‌کند. در بازار خرید و فروش، قاچاقچیان کودکان در طی دهه‌های گذشته با در نظرگرفتن کودکان به عنوان یک کالای تجاری در پاسخ به نیازهای مشتریان در کشورهای متعدد به تدریج به ابعاد این واقعه برای تأمین نیازهای مشتری‌ها و راضی نگه‌داشتن آن‌ها در این بازار زیرزمینی و شاید آشکار در بعضی کشورها افزوده‌اند. یکی از خطرناک‌ترین گونه‌های قاچاق کودکان استفاده از اعضا و جوارح آن‌هاست که علاوه بر حمایت‌های بین‌المللی حمایت قانونگذار داخلی را نیز به همراه داشته است.

قاچاق کودکان برای استفاده از اعضا و جوارح آن‌ها: در سال‌های اخیر تقاضا برای پیوند اعضای بدن از طریق تدارک آن به وسیله عملیات پزشکی غیر قانونی افزایش یافته است. موارد گوناگونی از انتقال اعضا با استفاده از اسناد جعلی به سایر کشورها مشاهده شده است. این موضوع بیشتر در کشورهای پرو، مکزیک، هندوراس، برزیل و آرژانتین انجام شده و خریداران نیز اغلب از کشورهای ایتالیا، سوئیس و آلمان بوده‌اند (۷). این پدیده در جامعه به دلیل اثرات جبران‌ناپذیری که از خود به جا می‌گذارد، همواره موجب نگرانی قانونگذار داخلی نیز بوده است. از این رو با تدوین ماده ۱۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سعی نموده از شأن و منزلت انسانی محافظت کند و با افزودن کیفر سنگین مانع قاچاق اعضا و جوارح کودکان گردد. با این وجود در تبصره ۱ این ماده بیان شده که اگر اعضا و جوارح برای بیماران نیازمند باشد و مؤثر در مرگ آن شخص نباشد، از شمول ماده مستثنی است، لذا مطابق تبصره ۲ ماده مذکور، چناچه پزشکان یا اشخاص مرتبط با امور پزشکی در ارتکاب این جرم شرکت یا معاونت داشته باشند، علاوه بر این مجازات به محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های پیش‌بینی‌شده قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

۱-۱-۲. تسهیل یا فراهم‌نمودن موجبات ارتکاب خودکشی کودکان: همان‌گونه که مسلم است، در قوانین داخلی خودکشی جرم نمی‌باشد، لذا این مطلب معمولاً توسط حقوقدانان مطرح می‌گردد. با توجه به اینکه خود رفتار خودکشی جرم نیست، شخصی که با یکی از رفتارهای معاونتی به او کمک کند نیز جرمی انجام نداده است، زیرا در معاونت شرط است، در صورتی رفتارهای معاونتی جرم قلمداد می‌شوند که رفتار مباشر نیز جرم باشد، زیرا معاونت در حقوق ما از نظام استعاره پیروی می‌کند. بنابراین چنانچه بخواهیم اصلی را بیان کنیم،

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

می‌بایست بگوییم اصل بر آن است که چون خودکشی برای مباشر آن جرم تلقی نمی‌گردد، لذا چنانچه شخصی با انجام رفتارهای معاونتی به مباشر کمک نمود، او هم جرمی انجام نداده است. به عنوان مثال اگر شخصی جهت خودکشی از طریق حلق‌آویزی اقدام نمود، شخصی که به او طناب داده است، هرچند که در خودکشی وسایل به او داده و تسهیل نموده، لیکن چون خود خودکشی جرم نیست، شخصی هم که به او طناب داده، ولو با علم به اینکه می‌دانسته در امر خودکشی از آن استفاده می‌کند، مرتکب جرمی نشده است، لیکن بر اصل فوق دو استثنا وارد شده است. قبل از ذکر این دو استثنا لازم به ذکر است اگر رفتارهای معاونتی فراتر رفته و داخل در تعریف جرم قتل عمدی شوند و به عبارت ساده‌تر چنانچه رفتار معاونتی به اندازه‌ای باشد که خود اقدام سالب حیات تلقی شود، دیگر معاونت مطرح نبوده، بلکه رفتار شخص اقدام به قتل عمدی تلقی خواهد شد، مثل شخصی که قصد دارد از طریق حلق‌آویزی اقدام به خودکشی کند، طناب دار را بسته، روی چهارپایه قرار گرفته و طناب را به دور گردن انداخته و فقط مانده است چهارپایه از زیر پای او زده شود که جهت اینکار از دوستش درخواست می‌کند و دوستش اقدام به زدن چهارپایه می‌کند. در اینجا هرچند که رفتار دوست او به نوعی تسهیل‌کردن در خودکشی است، ولی همین رفتار خود اقدام سالب حیات است و داخل در تعریف جرم قتل عمدی می‌شود، لذا دوست وی در اینجا معاون در خودکشی نبوده، بلکه مباشر در قتل عمدی محسوب می‌شود، اما استثناهای اصل فوق عبارتند از:

۱ـ بند «ب» ماده ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی، در خصوص موردی است که شخصی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده افراد را به ارتکاب خودکشی تحریک کند، ترغیب کند، تهدید کند، دعوت کند، فریب دهد، شیوه ارتکاب را تسهیل کند یا شیوه ارتکاب را آموزش دهد که در این صورت مرتکب جرم شده است. مصادیق مذکور ذاتاً رفتارهای معاونتی هستند، لیکن چون خودکشی خود جرم نیست، این رفتارها مستقلاً جرم‌انگاری و برای آن مجازات تعیین شده است. باید توجه داشت صرف ارتکاب این اقدامات جرم بوده و نیاز به نتیجه که همانا خودکشی فرد باشد، نیست.

۲ـ ماده ۱۴ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بیان کرده هر کس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند، مرتکب جرم شده و می‌بایست مجازات شود. در این ماده نیز هرچند خودکشی جرم تلقی نشده، لیکن رفتارهای معاونتی شخصی که موجبات آن را برای طفل یا نوجوان فراهم آورده یا تسهیل نموده مرتکب جرم مستقل شده است، وفق ماده موصوف مابین سه حالت جهت مجازات شخص مرتکب که به اصطلاح معاون می‌نامیم تفاوت قایل شده است به این صورت که:

ـ چنانچه رفتار مرتکب منتهی به خودکشی شود و خودکشی نیز منتهی به فوت طفل و نوجوان گردد، مجازات به اصطلاح معاون علاوه بر پرداخت دیه حبس درجه ۵ خواهد بود.

ـ چنانچه رفتار مرتکب منتهی به خودکشی شود، لیکن خودکشی منتهی به فوت نشود، بلکه منتهی به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل یا نوجوان شود، مجازات شخصی به اصطلاح معاون حبس علاوه بر پرداخت دیه، حبس درجه ۶ نیز خواهد بود.

ـ چنانچه رفتار مرتکب منتهی به خودکشی نشود، مجازات شخص (معاون) صرفاً حبس درجه ۸ خواهد بود. بنابراین به عنوان مثال چنانچه شخصی دانش‌آموزی که در استرس آزمون کنکور سراسری است را ترغیب به خودکشی کرده و در اختیار وی سم علف‌کش قرار دهد و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

وی اقدام به خودکشی کند، چه خودکشی موفقیت‌آمیز بوده و منتهی به فوت شود، چه نیمه‌موفق و منتهی به آسیب بدنی گردد و چه ناموفق، مثل اینکه دانش‌آموز بخواهد سم را مصرف کند، لیکن پدر وی سر رسیده و مانع گردد، در همه موارد شخص تسهیل‌کننده مجرم تلقی خواهد شد و به مجازات‌های موصوف محکوم خواهد شد.

علت آنکه از عبارت به اصطلاح معاون در توضیحات قبل استفاده شد، آن است که شخصی که موجبات خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم یا تسهیل می‌کند می‌بایست با طفل یا نوجوانی که خودکشی می‌کند وحدت قصد داشته و در واقع با علم رفتارهای معاونتی که تسهیل‌کننده یا فراهم‌کننده موجبات خودکشی هستند را انجام دهد و والا اگر فروشنده‌ای بدون علم سم علف‌کش در اختیار طفل یا نوجوان قرار دهد یا مسئول داروخانه بدون علم به اینکه طفل یا نوجوان قصد خودکشی از طریق مصرف بیش از اندازه دارویی را دارد، دارو در اختیار وی قرار دهد علی‌رغم اینکه رفتار این افراد تسهیل‌کننده و فراهم‌کننده موجبات خودکشی محسوب می‌گردد، لیکن به لحاظ عدم وحت قصد و در واقع علم، سوءنیت آنان محرز نبوده و مرتکب رفتار مجرمانه نشده‌اند.

همان‌گونه که ملاحظه شد، یکی از مجازات‌های شخصی که موجبات خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم یا تسهیل می‌کند در دو فرضی که منتهی به فوت شده یا منتهی به صدمه شود، پرداخت دیه نیز خواهد بود، لیکن مشخص نیست مجازات دیه مذکور بر چه مبنایی می‌باشد، زیرا اقدام سالب حیات یا اقدام ناموفقی که منتهی به آسیب به طفل یا نوجوان در هنگام اقدام وی به خودکشی شده است، توسط شخص وی صورت گرفته و رابطه مستقیم فیمابین سلب حیات یا آسیب وارده به طفل یا نوجوان و رفتار معاونتی وجود ندارد، لیکن قانونگذار در این مورد خاص شخص دیگری را مسئول پرداخت دیه بابت رفتار دیگری دانسته است، زیرا که رفتار سالب حیات یا آسیب‌زننده به بدن توسط خود طفل یا نوجوان صورت گرفته، لیکن شخصی که موجب خودکشی منتهی به سلب حیات یا به صدمه را انجام داده مسئول پرداخت دیه شناخته شده است (۸).

۱-۱-۳. بهره‌کشی از نیروی کار کودکان: یکی دیگر از مصادیق شایع سوءاستفاده از کودکان، استثمار و بهره‌کشی اقتصادی آنان می‌باشد. مطابق بند «ث» ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بهرکشی اقتصادی چنین بیان گردیده است: «به کارگیری غیر قانونی طفل و نوجوان و یا وادارکردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.»

بحث استثمار اقتصادی کودکان حول سه محور اساسی انسانی، اقتصادی و سیاسی دور می‌زند؛ ممنوع‌کردن کار کودکان به دلیل استثمار، وجود خطرها، غیر بهداشتی‌بودن محیط کار و محروم‌شدن کودکان از حق دستیابی به تعلیم و تربیت و مانند آن بعد انسانی این مسأله است و هدف این بعد بازگرداندن کودکان به دنیای خاص خودشان و بهره‌مندساختن آنان از حقوق طبیعی و انسانی خویش است. در خصوص بعد اقتصادی می‌توان اذعان داشت که اولاً عده‌ای کارکردن کودکان را در کشورهای در حال توسعه متأثر از پدیده فقر می‌دانند که در عین حال به تشدید آن کمک می‌نماید، هر کودکی که مشغول به کار است یک بزرگسالی را از کارکردن محروم می‌سازد، با این حال کمتر از بزرگسال حقوق دریافت می‌دارد. علاوه بر این اشتغال کودکان به جای بزرگسالان در تنزل کیفی (کارایی) تأثیر داشته و از افزایش تولید محصولات یا عرضه خدمات به صورت کمی نیز جلوگیری می‌نماید، بنابراین از هر جهت به آن نگریسته شود از دید

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

اقتصادی زیان‌آور است؛ ثانیاً در جوامع صنعتی صادرکننده هم این نکته مطرح گردیده که تولیدات کودکان در بازارها به قیمت‌های کمتری به فروش می‌رسد و حتی نمی‌تواند با قیمت کالاهای مشابه داخلی رقابت کند، لذا نه فقط سودآور نیست، بلکه در نیروی انسانی بزرگسال و بازارهای آن‌ها هم تأثیر منفی دارد. از لحاظ سیاسی نیز گاهی این موضوع به صورت اغراق‌آمیز مطرح می‌شود؛ تصاویر کودکان خردسال با تعدادی آجر در دست یا کودکانی که با زنجیر بسته شده‌اند، ولی باید کار کنند، نه فقط عرضه می‌شود، بلکه مردم آن را به عنوان واقعیات باور می‌کنند و حتی از طریق رسانه‌های خبری نیز به سراسر دنیا می‌فرستند، بی‌شک چنین اعمالی باید انگیزه‌هایی غیر از نگرانی نسبت به کارکردن کودکان داشته باشد.

۱-۱-۳-۱. میزان بهره‌کشی اقتصادی از کودکان: اگر کودکان در هر ۲۴ ساعت، دو تا سه ساعت برای کمک به اعضای خانواده و امرار معاش، به کار بپردازند و یا حتی برای کسب درآمد در خارج از محدوده فعالیت‌های خانواده کار نمایند و شرایط کاری آن‌ها از حیث دستمزد، ساعات کار روزانه و هفتگی، کار اضافی و کار در ساعات شب، مرخصی سالانه و داشتن بازرسان کار و... رعایت و بهبود پیدا کند، شاید نتوان گفت که حقوق کودکان ضایع می‌گردد، به علاوه این نوع کارکردن به دلیل محدودبودن ساعات کاری، منطقی هم به نظر می‌رسد و کودکان را برای زندگی بهتر در بزرگسالی آماده می‌سازد و برای آن‌ها امکان یادگیری مهارت‌هایی را نیز فراهم می‌سازد. در همین خصوص سازمان بین‌المللی کار، استثمار بزرگسالان از کار کودکان را برگرفته از معیارهای زیر می‌داند: «کودکان از حداقل سن تعیین‌شده کوچک‌تر باشند؛ حداکثر ساعت کار رعایت نگردد؛ متأسفانه در برخی از نقاط جهان این تجاوز از حداکثر به ۱۲ تا ۱۶ ساعت در شبانه‌روز می‌رسد (۹).

شرایط کاری از لحاظ جسمی، روانی یا اجتماعی آزاردهنده باشد؛ کار در اماکن غیر بهداشتی و خطرناک مانند خیابان‌ها یا حاشیه شهرها انجام شود؛ در مقابل ۶۰ ساعت کار در هفته به کودک کمتر از ۳ دلار آمریکایی یا معادل آن پرداخت گردد» (۱۰).

۱-۱-۳-۲. حمایت مقنن در برابر بهره‌کشی اقتصادی از کودکان: در قوانین داخلی، مقرراتی چند در خصوص شرایط کار کودکان وجود دارد که همگی در راستای حمایت از کودکان کارگر تدوین شده‌اند. به مراتب با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ضمانت اجرای بهره‌کشی اقتصادی از کودکان تشدید یافته است، به نحوی که در ماده ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «هر شخصی برخلاف مقررات قانون کار مرتکب بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان موضوع ماده ۲ این قانون شود، علاوه بر مجازات‌های مذکور در قانون کار به مجازات حبس درجه ۶ قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شود.»

بنابراین سرآغاز جدیدی است تا با حمایت‌های ویژه‌ای که قانونگذار از شرایط کار کودکان داشته، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف گردد با نظارت مستمر بر شیوه کار کودکان تعدادی را که در وضعیت خطرناک به سر می‌برند، شناسایی نموده و به مراکز حمایتی و قضایی معرفی کند. با این وجود برای همه کودکان شاغلی که بین پانزده الی هجده سال دارند، باید خدمات بیمه‌ای در نظر بگیرد که بند «ث» ماده ۶ قانون نام‌برده مبین همین امر است. علاوه بر این در بند «ج» همان ماده وزرات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را موظف نموده تا با نظارت بر کارگاه‌ها و محل‌های که از کار کودکان بهرمند

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

می‌شوند، استانداردهای لازم بهداشت کار و مراقبت پزشکی کودکان را رعایت نمایند.

۱-۱-۴. معامله کودکان: اصولاً کودکان به دلیل نداشتن قوه تمییز و درک از پدیده‌های اجتماعی و مسائل مالی از آگاهی کامل برخوردار نیستند. به همین ترتیب قانونگذار مداوماً در جهت آگاه‌سازی از سوءاستفاده‌های که کودکان بزه‌دیده آن هستند، برآمده است. نظر به اینکه تبهکاران با به‌روزشدن تکنولوژی و ساخت حقه‌های جدید، به دنبال سوءاستفاده مکرر از کودکان هستند، مقنن با اتخاذ تدابیری تلاش نموده تا کودکان بیش از پیش تحت آماج حملات این افراد قرار نگیرند. اگر بخواهیم به صورت تخصصی به این موضوع بپردازیم از دو بعد قابل بررسی است:

۱-۱-۴-۱. معامله راجع به خرید یا فروش اموال به کودک: در این صورت باید برای طفل ممیز و غیر ممیز تفاوت قائل شویم، زیرا حسب مورد معامله باطل و غیر نافذ است، مگر به تنفیذ ولی یا قیم. بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی برای صحت هر معامله شرایط اساسی آتی‌الذکر لازم است: ۱ـ قصد طرفین و رضای آن‌ها؛ ۲ـ اهلیت طرفین؛ ۳ـ مشروعیت جهت معامله؛ ۴ـ موضوع معین که مورد معامله باشد.

لیکن در مورد کودکان چون فاقد اهلیت‌اند معامله صحیح نیست. مع‌الوصف قبول اموال بلاعوض از جانب طفل غیر ممیز، مانعی ندارد.

۱-۱-۴-۲. معامله با کودک به قصد سوءاستفاده از آن: خوشبختانه قانونگذار خود نسبت به تعریف این‌گونه معامله در بند «ج» ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان اقدام و منظور از معامله را خرید و فروش یا هرگونه اقدام غیر قانونی که به موجب آن طفل یا نوجوان در ازای پرداخت وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می‌گیرد، دانسته است که مطابق ماده ۱۱ قانون مشارالیه در این صورت قانونگذار هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان را ممنوع اعلام کرده و مرتکب را به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌نماید؛ چنانچه این رفتار با هدف فحشا و هرزه‌نگاری، بهره‌کشی اقتصادی، برداشت اعضا یا جوارح و یا استفاده از طفل و نوجوان در فعالیت‌های مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات حبس درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

با توجه به وسعت دید قانونگذار، به موجب تبصره ۱ ماده مذبور برای افرادی که استعداد واردشدن به عرصه این جرم را دارند و یا می‌توانند با واسطه‌گری وقوع این جرم را تسهیل یا حرفه خود قرار دهند، با واکنش کیفری (میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مباشر) و در غیر این صورت با مجازات ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی رو به رو می‌شوند. با این وجود در تبصره ۲ ماده ذکرشده ممکن است مجازات بر اساس سمت و جایگاه اجتماعی بزهکار تشدید گردد.

۲. بزه‌دیدگی روانی (آزار روحی و روانی کودکان): به هر نوع برخورد ذهنی منفی یا تهدیدی که به سلامت روانی کودک آسیب برساند، گفته می‌شود. این شامل هرگونه برخورد با کودک که باعث بی‌قراری، تحریک و استرس شود، مثل لرزاندن، تکان‌دادن و... یا هر نوع برخوردی با کودک که باعث بی‌اعتمادی و ترس شود، مثل تهدید به تنبیه، تهدید به جداکردن از خانواده، تهدید به نقصان، تهدید به ترک‌کردن و... یا هر نوع برخوردی با کودک که باعث احساس شرمساری و خجالت شود، مثل انتقادات بی‌مورد و غیر منطقی، فحاشی‌کردن، توهین‌کردن و... یا هر نوع برخوردی با کودک که باعث احساس پایین‌بودن، تحقیر و توهین شود، مثل نادیده گرفتن، تحقیرکردن، بی‌احترامی‌کردن و... یا جداکردن کودک از خانواده، دوستان و جامعه، ایجاد فاصله،

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

بی‌توجهی و نادیده‌گرفتن نیازهای اساسی کودک، مانند نیاز به عشق و اهتمام، حمایت، امنیت، آموزش، بهداشت و مراقبت پزشکی و... که باعث ایجاد احساس بی‌ارزشی و ناکارآمدی در کودک می‌شود.

۲-۱. بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری نسبت به کودکان: این رفتار در علوم روان‌شناسی، روان‌پزشکی و اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق کودک‌آزاری و حتی خشونت علیه کودکان ذکر شده است، اما ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک آن را به صورت جدا و هم ردیف «آزار و خشونت» قرار داده است. بر این اساس بی‌توجهی را عدم توجه (عمدی و غیر عمدی) والدین به نیازهای اساسی کودک که برای رشد توانایی‌های جسمی، هوشی و عاطفی کودک ضروری است، دانسته‌اند، در حالی که آزار با ارتکاب فعل محقق می‌شود، بی‌توجهی به کودکان از رهگذر ترک فعل ارتکاب می‌یابد. بی‌توجهی را به پنج دسته رفتار تقسیم کرده‌اند:

نخست، ضعف پرورشی که رشد را با اختلال مواجه می‌سازد؛ دوم، نقایص سرپرستی و مراقبت که باعث می‌شود کودک در معرض خطر بسیاری از آسیب‌ها و تروماهای (شوک‌ها) هیجانی قرار گیرد؛ سوم، بی‌توجهی و سهل‌انگاری به احتیاجات پزشکی که باعث پیچیده و مزمن‌شدن یک موضوع ساده طبی می‌گردد؛ چهارم، غفلت و بی‌توجهی به نیازهای آموزشی، یعنی نارسایی در جهت فراهم‌آوردن حداقل اطلاعات لازم برای کودک و اهمال در جهت فرستادن کودک به مدرسه؛ پنجم، سر راه گذاشتن، رهاکردن که حادترین شکل بی‌توجهی و سهل‌انگاری از سوی والدین است. در واقع بی‌توجهی عبارت است از اهمال و غفلت والدین از تأمین نیازهای اساسی و فردی کودک که برای بهترزیستن وی در زمان حال یا آینده تأثیر منفی می‌گذارد و به سلامت، بهداشت، امنیت، اخلاق و رفاه او صدمه وارد کرده و یا در معرض آسیب قرار می‌دهد. از نظر صندوق کودکان سازمان ملل، غفلت یا بی‌توجهی مفهوم گسترده‌ای دارد که عدم برآورده‌ساختن نیازهای مادی و عاطفی کودکان و فقدان انگیزش ذهنی و عدم محافظت و هدایت شایسته را دربر می‌گیرد.

بررسی قوانین ایران نشان می‌دهد که قانونگذار ایرانی در قالب سازوکار جرم‌انگاری افتراقی، برخی از جلوه‌های بی‌توجهی و رفتارهای توأم با سهل‌انگاری نسبت به کودکان را در قانون مجازات اسلامی و قوانین دیگر پیش‌بینی کرده است. در کنار این جرم‌انگاری عام تدوین‌کنندگان قوانین کیفری برخی مصادیق بارز را نیز ذکر کرده‌اند که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

نخست، خودداری از اعلام واقعه ولادت و صدور گواهی‌های لازم و اقدام به اعلام و یا صدور گواهی خلاف واقع در صورتی که منجر به تغییر هویت واقعی کودک گردد، مستوجب نود و یک روز تا یک سال حبس دانسته شده است که نسبت به وضعیت فعلی در کنار مقیدساختن جرم مذکور، مجازات آن افزایش یافته است؛ دوم، در ماده ۷ قانون یادشده عیناً جرم‌انگاری‌های مذکور در قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۰۴/۳۰ احیا شده است، نظام استفاده از پاسخ‌های فرصت بخش و محکومیت تدریجی والدین و سرپرستان کودک به همان صورت آورده شده است، با این تفاوت که کیفر به جزای نقدی درجه هفت کاهش یافته است؛ سوم، تحریک، ترغیب، تشویق و فریب اطفال و نوجوانان به فرار از خانه یا مدرسه یا ترک تحصیل یا تسهیل و فراهم‌کردن موجبات آن به عنوان یکی از مصادیق رفتار توأم با سهل‌انگاری با کودکان جرم‌انگاری و برای آن یکی از کیفرهای درجه شش تعیین شده است؛ چهارم، بر اساس ماده ۹ سابق‌الذکر در قبال بی‌توجهی به

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

سلامت جسمانی و روانی کودکان تدوین‌کنندگان به یک نوآوری جالب دست زده‌اند.

در این ماده بر اساس نتایج حاصل از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات از سوی والدین یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان یا اشخاصی که مراقبت از طفل و نوجوان به عهده آن‌هاست یا در امور مربوط به کودکان فعالیت می‌کنند، بر روی سلامت جسمانی و روانی کودکان، یک نوع کیفرگذاری تدریجی در کنار دیه مقرر شده است.

در بند «الف» این ماده در صورت فوت کودک حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

در بند «ب» فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا ایجاد بیماری صعب‌العلاج دائمی جسمی یا روانی یا ایراد جراحت از نوع جائفه یا بالاتر حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

در بند «پ» نقصان یکی از حواس یا منافع و یا شکستگی استخوان یا دیگر اعضا یا بروز بیماری روانی حبس درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛

در بند «ت» جراحت سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای «ب» و «پ»، حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی و در بند «ش» آزار جنسی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر حسب مورد به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی، تعیین شده است. این در حالیست که در تبصره ماده مذبور برای والدین نیز واکنش جزایی مشخص شده با این تفاوت که به حداقل مجازات نام‌برده محکوم می‌شوند.

این جرم‌انگاری و کیفرگذاری در نظام عمومی بزرگسالان بر اساس قوانین کیفری فعلی ایران فقط در بزه قتل بر اساس ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است که مجازات آن یک تا سه سال حبس تعیین شده است و در سایر صدمات نیز فقط در تصادفات رانندگی بر اساس مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ همان قانون بیان شده است؛ پنجم، در ماده ۱۴ قانون موصوف، هر کس موجبات خودکشی کودکان را فراهم نماید، مستوجب مجازات است.

۲-۱-۱. بی‌توجهی به حق آموزش کودکان: حق برخورداری از آموزش به عنوان یکی از حقوق اجتماعی و فرهنگی کودکان در ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید ویژه قرار گرفته است، اما کودکان به دلیل حالت وابستگی به شدت تحت تأثیر اختیارات والدینی قرار دارند. بنابراین حق مذکور در دو جهت ممکن است توسط آن‌ها نقض شود: نخست، هنگامی که از ابتدا از ثبت نام و فراهم‌ساختن موجبات تحصیل کودکان امتناع می‌کنند؛ دوم، زمانی که کودکان مشغول به تحصیل خود را از رفتن به مدرسه بازمی‌دارند. به دلیل اهمیتی که برخورداری از آموزش و تحصیل بر آینده کودکان دارد، این حق در راستای تضمین اجرای آن حقوق کیفری ایران تدابیری را اندیشیده است در این راستا در کنار جرم‌انگاری عام صورت‌گرفته در ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده که خوداری از انجام تکالیف مقرر برای مسئول حضانت را جرم محسوب کرده است، به دو عنوان مجرمانه برمی‌خوریم:

۲-۱-۲. خودداری از ثبت نام و فراهم‌ساختن موجبات تحصیل کودک: مطابق ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسؤولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند، چنانچه برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۰۴/۳۰ از ثبت نام و فراهم‌کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یاد شده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند.

۲-۱-۳. ممانعت از تحصیل کودک: در ماده ۷ قانون مذکور در کنار عدم ثبت نام و فراهم‌نکردن موجبات تحصیل، جلوگیری والدین یا سرپرست قانونی طفل و نوجوان از تحصیل نیز جرم محسوب شده است. در ارتباط با این جرائم، قانونگذار از نظام ضمانت اجراهای کیفری خاص استفاده کرده است که از آن تحت عنوان ضمانت اجراهای کیفری «فرصت بخش» نام می‌بریم.

بر این اساس، والدین یا سرپرست ناقض حقوق تحصیلی کودک بر اساس ماده ۷ در وهله اول به جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی و به انجام تکالیف فوق، یعنی فراهم‌کردن موجبات تحصیل او و بازگرداندن او به مدرسه محکوم می‌شوند. همچنین بر اساس تبصره این ماده هرگاه محکوم‌علیه پس از ابلاغ حکم قطعی از انجام تکلیف مقرر در مهلت تعیین‌شده از طرف دادگاه خودداری کند یا پس از اجرای حکم، دوباره طفل و نوجوان را از تحصیل بازدارد، به جزای نقدی درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. با توجه به اهمیت این موضوع قانونگذار در ماده ۸ برای غیر والدین هم که موجبات فرار از مدرسه و خانه یا ترک تحصیل از طریق تهدید، تشویق و ترغیب می‌شوند را مجازات در نظر گرفته است. در همین راستا وزارتین کشور و آموزش و پرورش مکلفند تا کودکانی که به سن تحصیل رسیده‌اند و به هر دلیلی ثبت نام ننموده یا مجبور به ترک تحصیل شده‌اند را شناسایی کرده و به سازمان بهزیستی کشور و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضاییه معرفی نمایند. مواد مذکور نه‌تنها به چالش‌های مربوط به مداخله کیفری سرکوبگر در حوزه روابط خانوادگی توجه کرده است، بلکه با پیش‌بینی ضمانت اجراهای حمایتی در راستای بهبود شرایط برای کودک بزه‌دیده نیز حرکت کرده است. سیاستی که در سایر جرم‌انگاری‌های راجع به کودکان کمتر دیده می‌شود.

۲-۱-۴. گزارش‌دهی جرائم علیه کودکان: ماده ۱۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به حمایت هرچه بیشتر از کودکان به شرح ذیل پرداخته است:

اول، با گنجاندن خودداری از اعلام اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز و وقوع جرائم علیه طفل و نوجوان موضوع قانون، گستره این جرم را توسعه داده و محدود به «موارد کودک‌آزاری» نیست؛ دوم، اعلام، مشروط به این شده است که خطری متوجه اعلام‌کننده یا دیگران نشود، این امر زمینه سوءاستفاده را با توجه به نوع فرهنگ حاکم بر ایران که عرصه خانوادگی را حوزه‌ای خصوصی محسوب می‌کنند، می‌تواند فراهم سازد؛ سوم، علاوه بر مقامات قضایی تمام مراجع صلاحیت‌دار می‌توانند به موضوع رسیدگی کنند که شامل مقامات اجرایی ماده ۶ قانون مذبور می‌شوند؛ چهارم، در صورتی که مرتکب از افرادی باشد که بر حسب وظیفه یا مطابق قوانین و مقررات مکلف به اعلام و گزارش یا کمک می‌باشند و یا به اقتضای حرفه خود می‌توانند کمک مؤثری نماید به دو یا هر سه مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی و حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی یا محرومیت از فعالیت در آن حرفه به مدت شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

وفق ماده ۱۸ گزارش‌دهنده نیز از حمایت قانونی بی‌نصیب نمانده، چراکه مقرر می‌دارد: «افشای هویت کسی که وقوع جرم یا شروع به ارتکاب آن یا خطر شدید و قریب‌الوقوع علیه طفل یا نوجوان را گزارش می‌دهد، جز با رضایت خود او یا به موجب قانون و با رعایت حقوق طفل و موازین شرعی ممنوع است و مرتکب به مجازات درجه هشت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و در مواردی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

که افشای هویت موجب وقوع جرم علیه گزارش‌دهنده شود، افشاکننده حسب مورد به یک یا چند مجازات درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.»

بر اساس ماده ۱۹ یکی از رفتارهای توأم با سهل‌انگاری که موجبات صدمه به کودکان را می‌تواند فراهم سازد، به صورت خاص جرم‌انگاری شده است. بر اساس این ماده هر کس هویت یا اطلاعات و اسرار طفل یا نوجوان بزه‌دیده یا در وضعیت مخاطره‌آمیز را افشا و یا جزئیات جرم ارتکابی توسط طفل و نوجوان یا علیه وی را از طریق رسانه‌های گروهی و یا با توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن تشریح کند، به گونه‌ای که موجب تجری دیگران، اشاعه جرم، آموزش شیوه ارتکاب آن یا بروز هرگونه ضرر یا آسیب به طفل یا نوجوان یا خانواده وی شود، به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

قانون مذکور تحت تأثیر یافته‌های جرم‌شناختی و با به کارگیری اصول بنیادین راجع به حمایت از کودکان به ویژه اصل حمایت کیفری ویژه از کودکان در برابر رفتارهای ناقض حقوق کودکان، ظرفیت‌های عملی و قضایی و محدودیت‌های نظام حقوقی ایران را نیز در نظر گرفته است.

بدین‌سان، از قانونگذاری در خلأ و اقتباس احساسی، ژورنالیستی و غیر فنی از اسناد بین‌المللی با انتقال ناپخته آن‌ها به حقوق کیفری ایران پرهیز شده است. نباید فراموش کرد که مفاهیم ذکرشده در اسناد بین‌المللی راجع به کودکان استانداردسازی در زمینه حمایت از کودکان را دنبال می‌کنند و این نظام‌های حقوقی مختلف‌اند که با توجه به موانع و مقتضیات خاص هر نظام به ادغام و جذب این معیارها با روش‌های خاص، البته بدون زیر سؤال‌بردن روح کلی حاکم بر اسناد، اقدام می‌کنند. حقوق کیفری ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۳. بزه‌دیدگی جنسی (آزار جنسی کودکان): به هر نوع برخورد جنسی سلبی یا اجباری که به سلامت جنسی و روانی کودک آسیب برساند، گفته می‌شود. این شامل هر نوع فعالیت جنسی بر روی کودک، لمس بدن کودک به صورت نامناسب و بدون رضایت آن‌ها یا هر نوع برخوردی با کودک که باعث بی‌احترامی به حریم شخصی آن‌ها شود، مانند نگاه‌کردن به طور نامناسب، گفتن جملات نامناسب، تمسخرکردن و... یا هر نوع برخوردی با کودک که باعث سوءاستفاده جنسی و تبدیل کودک به شئ جنسی شود، مانند اجبار به تماشای فیلم‌های پورنوگرافی، تمسخرکردن با عبارت‌های جنسی، هرزه‌نگاری و... یا هر نوع برخوردی با کودک که باعث ورود نواحی جنسی به داخل بدن کودک شود، مانند تجاوز جنسی با ابزارهای جنسی، تجاوز به دهان، تجاوز به بدن کودک با اعضای جنسی و... می‌شود.

۳-۱. زنا با کودک: با توجه به مفهوم جرم زنا که عبارت است از «جماع مرد با زنی که علقه زوجیت میان آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد. جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قبل یا دبر زن محقق می‌شود.» با عنایت به ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن و اینکه از شرایط تحقق زنا در زانی و زانیه بلوغ و عقل است، ذکر این نکته در خصوص کودکان ضروری است که با نگرش به جرم‌انگاری زنا با محارم در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی، می‌توان دریافت که روابط جنسی با دختران در محیط خانواده تحت پوشش قرار گرفته است، لیکن زنای به عنف و اکراه نیز بر اساس ماده ۲۲۴ قانون مذکور جرم و موجبات اعدام زانی اکراه‌کننده را فراهم می‌کند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

۳-۲. لواط با کودک: این جرم که با توجه به قانون مجازات اسلامی فقط در زمینه کودکان مذکر قابل تحقق است، آثار و تبعات منفی زیادی بر روی کودکان قربانی آن دارد. قانون مجازات اسلامی نه‌تنها بین لواط بزرگسال با کودک و غیر کودک تفاوتی قائل نشده است، بلکه مفعول نابالغ بر اساس ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی سابق مجرم محسوب و برای آن کیفر شلاق تا ۷۴ ضربه تعیین شده بود (بزه‌دیده بزهکار)، این ماده در قانون فعلی حذف گردید که گامی مهم در راستای حمایت از کودکان بزه‌دیده این جرم محسوب می‌گردد، هرچند مجازات جرم لواط در هر حال اعدام است، اما به نظر می‌رسد با توجه به نبود عنوان مجرمانه تعزیری خاصی در مواردی که جرم لواط به اثبات نمی‌رسد یا تقلیل آن به تفخیذ به دلیل شرایط سخت اثبات، در نظرگرفتن کودکی به عنوان یکی از علل مشدده در چنین مواردی ضروری است. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۳۴ بین لواط بدون عنف و اکراه، با لواط همراه با عنف و اکراه تفاوت قائل شده است که در اولی مرتکب فقط به صد ضربه شلاق محکوم می‌شود. بنابراین اتخاذ رویکرد افتراقی در پرتو سازوکارهای خاص حقوق کیفری در این زمینه ضروری است.

۳-۳. تفخیذ و مساحقه با کودک: با توجه به آثار و تبعات منفی لواط و مجازات سنگینی که برای آن در نظر گرفته شده است، به نظر می‌رسد جرم تفخیذ و مساحقه که دارای مجازات کمتری بوده و کشف آن نیز تا حدودی به دلیل برجای‌نگذاشتن آثار ملموس دشوار است، در زمینه کودکان شیوع بیشتری داشته باشد. در این جرم نیز بین کودک و بزرگسال در تعیین کیفر که صد تازیانه است، تفاوتی وجود ندارد.

۳-۴. پدوفیلی «بچه‌بازی»: پدوفیلی به عنوان قبیح‌ترین، فجیع‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل مربوط به حقوق جزا به ویژه در جرائم علیه کودکان می‌باشد. پدوفیلی (Pedophilie) از ریشه پدوفیلیا (Pedophilia) در حقوق روم و از دو کلمه «بچه» و «دوست‌داشتن» یا «عشق‌ورزیدن»، از زبان لاتین نشأت گرفته است و در اصطلاح حقوقی به سوءاستفاده جنسی از اطفال و نوجوانان تلقی می‌گردد و در حقوق بین‌الملل کیفری از پدوفیلی به لذتی که یک فرد بزرگسال از داشتن روابط جنسی با کودکان اعم از دختر یا پسر می‌برد، تعبیر گردیده است. بزهکاران این جرم از نظر رابطه خویشاوندی که با کودک بزه‌دیده دارند، به دو گروه «بچه‌بازان برون خانوادگی (Non-Incest Pedophiles)» و «بچه‌بازان درون خانوادگی (Incest Pedophiles)» تقسیم می‌شوند. از دید روان‌شناسی جنایی نیز بچه‌بازی یا پدوفیلی‌ها نوعی اختلال روانی است که در نتیجه آن شخص بیمار به جای برقراری رابطه عادی جنسی با جنس مخالف، به سراغ پسران یا دختران کم‌سن و سال می‌رود و میل جنسی خویش را با تماس با آن‌ها ارضا می‌نماید. مرتکبان پدوفیلی اغلب مردان هستند که اگر با حالت‌های روانی دیگر مانند «سادیسم» (۱۱) همراه شود، سبب ارتکاب جنایت‌هایی هم می‌گردند. ابتلا به جنون و پیری و اعتیاد به الکل از عوامل مهم پدوفیلی محسوب می‌گردند (۱۲)، لذا کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق شده است. در مقام حمایت از کودکان در مقابل تمام اشکال سوءاستفاده جنسی همانند پدوفیلی برآمده و اذعان داشته است که: همه کشورهای طرف کنوانسیون متعهد می‌گردند که از کودکان در مقابل تمام اشکال استثمارها و سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان، حمایت کنند و از هر نوع رفتاری که باعث اضرار، ایذا و آزار کودک در جهت سودجویی جنسی اشخاص می‌شود، اعم از لواط و هر نوع آمیزش غیر قانونی، تماس‌های شهوت‌انگیز، استفاده از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

کودکان در فاحشه‌گری، ربودن کودکان، قاچاق کودکان و خرید و فروش آن‌ها، تهیه عکس و فیلم‌های پورنوگرافیک، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر، سوق‌دادن آنان به استفاده از مواد مخدر، شکنجه و آزارهای جنسی، آلوده‌کردن آنان با مشروبات الکلی و داروهای مخدر و سوءاستفاده جنسی از این طریق، جلوگیری کنند و با شدت و بدون هرگونه ملاحظه اجتماعی یا سیاسی از این بزهکاران آنان را مجازات نمایند (۱۳).

سرانجام حمایت‌های جهانی از کودک، قانونگذار داخلی را ترغیب کرد برای تعرضات جنسی به کودکان که بدان در قانون مجازات اسلامی اشاره ننموده بود، چاره‌ای بیاندیشد نهایتاً با تدوین ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مخصوصاً به این موضوع پرداخت، با این توضیح که هر کس نسبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار یا سوءاستفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد، با در نظرگرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه‌دیده، شرایط مرتکب و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

۱ـ آزار جنسی تماسی توسط محارم یا با عنف به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ۲ـ سایر آزارهای جنسی تماسی به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ ۳ـ آزار جنسی غیر تماسی توسط محارم یا با عنف به یکی از مجازات‌های درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛ ۴ـ سایر آزارهای جنسی غیر تماسی به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

منظور قانونگذار از آزار جنسی تماسی که در بندهای اول و دوم بدان اشاره کرد، با توجه به قید (در صورتی که مشمول حد نباشد) که در صدر ماده اشاره‌شده آزار جنسی از طریق لواط و تفخیذ و زنا نیست، زیرا که این موارد همگی مشمول حد هستند، لذا صرفاً مشمول مواردی چون لمس‌کردن، بغل‌کردن، بوسیدن و... است، چراکه در این موارد هم قید تماسی را دارد و هم حدی نیستند، اما منظور قانونگذار از آزار جنسی غیر تماسی مواردی است که از طریق دیدار یا شنیدار باشد، مثل آنکه پدری که در منزل دختر نوجوان دارد، برهنه کامل مقابل دختران خود در منزل رفت آمد کند یا مطالب جنسی غیر مؤدبانه را در مقابل کودک خود که تربیت اسلامی دارد، بیان و بدین‌نحو او را آزار دهد. ممکن است این سؤال پیش آید که آزار جنسی غیر تماسی بدون عنف آیا اساساً مصداقی دارد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت همان‌گونه که ذکر شد، پدری در منزل دختران نوجوان دارد برهنه کامل مقابل دختران خود در منزل رفت آمد کند، آزار جنسی غیر تماسی محسوب می‌شود، حال اگر دختران خود مجبور کند که به برهنگی او با اجبار نگاه کنند و به لحاظ شرم و حیا روی برنگردانند، مصداق آزار جنسی غیر تماسی به عنف محسوب می‌گردد.

۳-۵. سوءاستفاده از کودکان در فعالیت‌های مجرمانه جنسی: امروزه کارگردان‌های پول‌پرست و هوس‌ران همان فیلم‌های مستهجن دیروز با حرص و طمع زیادتر نسبت به جمع‌آوری پول بیشتر با شیوه جدیدتر اقدام به تهیه و تولید فیلم‌هایی که کاراکترهای آن را اطفال معصوم و نوجوانان بی‌اطلاع تشکیل می‌دهند، نموده و آن را ساخته و روانه بازار کرده‌اند که در واقع حتی همین حرمت کم باقی‌مانده از آن طوفان رواج فساد و فحشا سال‌های اخیر را نیز از بین برده‌اند و این مسیر که جهت آن هدف قراردادن و نشانه‌رفتن نوع بشر و انسانیت انسان است، مراحل بحرانی خود را با وضع رقت‌باری سپری می‌کند. اینترنت و رایانه که روزی به عنوان وسایلی خدماتی طرح‌ریزی و به بازار عرضه شدند، امروزه به شکل ابزاری در دست همین حریصان درآمده‌اند، به صورتی که با ساخت انیمیشن‌های مختلف و متفاوت، فیلم‌های کارتونی به بدترین شکل ممکن از این وسایل سهل‌الوصول ساخته و حتی باعث بدنام‌شدن این وسایل

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

خوش نام گشته‌اند (۱۴). از این حیث، با نگرش به شیوه‌های نوین بزهکاری که از طریق فضای مجازی (واتساپ، اینستاگرام، تلگرام و...) ارتکاب می‌یابند، قانونگذار داخلی را ملزم ساخته تا از عواقب و اشاعه این عمل با واکنش جزایی که در بند ۹ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده، جلوگیری نماید. نظر به اینکه استفاده از کودکان در فعالیت‌های مجرمانه جنسی باعث ورود آسیب‌های جسمی، روحی و اجتماعی در کودکان در حال رشد می‌شود، مجامع بین‌المللی و قانونگذار داخلی ایران برای مقابله با آن اعمالی چون روسپی‌گری، هرزه‌نگاری و توریسم جنسی را جرم تلقی کرده و مرتکبان این‌گونه اعمال را قابل مجازات دانسته‌اند.

۳-۵-۱. سوءاستفاده از کودک از طریق عرضه، وادار و اجیرنمودن برای «هرزه‌نگاری»: جدیدترین شکل سوءاستفاده از اطفال و نوجوانان در فعالیت‌های مجرمانه جنسی، استفاده از تکنولوژی مدرن در انتشار صور قبیحه کودکان می‌باشد. این نوع سوءاستفاده در سال‌های اخیر رشد جهانی مضاعفی پیدا کرده است، بدین‌بیان که انتشار تصاویر قبیحه کودکان نه‌تنها از طریق مجله‌ها و کتاب‌ها، بلکه توسط اینترنت و دیسک‌های کامپیوتری[۲] نیز پخش می‌شوند. امروزه از مجموع بیش از ۱/۸ میلیارد سایت موجود در اینترنت، حدود ۱۸۵ میلیون سایت آن به مطالب مبتذل[۳] جنسی مربوط می‌شود و به عبارت دیگر بیش از ۱/۲ میلیارد (۲۵ درصد کل جستجوها) را در گوگل شامل می‌شود. بر اساس اعلام گوگل ۱۰ جستجوی اول ایرانیان، مطالب ضد اخلاقی و سکس است. یکی از مهم‌ترین علل پیشرفت سریع مطالب جنسی بر روی اینترنت، قابلیت تصویری و سهولت انتشار آن است. در مقررات داخلی ایران در بند ۴ ماده ۲۱۱ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۱۲ نیز، کودکان را در مقابل مسائل فساد اخلاق و شهوترانی از جهات دیگر تحت حمایت خویش قرار داده بود. طبق این بند «کسی که جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را برای شهوترانی غیر ببرد و یا او را وادار به رفتن کند و یا او را برای این مقصود اجیر کند» به حبس تأدیبی از شش‌ماه تا سه‌سال و به تأدیه غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال محکوم می‌گردید، همچنانکه ملاحظه می‌شود با امعان نظر بر اینکه بزه‌دیده این جرم نیز کودک بوده، لذا قانونگذار بر این‌گونه افعال مجرمانه‌ای که ماهیتاً معاونت بوده‌اند نیز وصف جزایی مستقلی بخشیده است.

از حیث جنسیت بین کودک مؤنث و مذکر در مورد این جرم تفاوتی نمی‌توان قائل شد، زیرا قانونگذار از کلمه «جوان» کمتر از ۱۸ سال تمام به صورت مطلق استفاده نموده که هر دو را شامل می‌گردد، حال آنکه در مورد جرم ذکرشده در بند ۱، قانونگذار صراحتاً بزه‌دیده را اعم از کودک مذکر و مؤنث معرفی کرده بود. به هر صورت بزه‌دیده این جرم را کودکان ذکور و اناث تشکیل می‌دهند و تنها فرق دو جرم فوق‌الاشعار در این است که بزه‌دیده جرم مذبور در بند ۱، خود مرتکب جرمی می‌شود که مستلزم فساد اخلاق یا شهوترانی است، از سوی دیگر بزه‌دیده جرم مذکور در بند ۴، علاوه بر اینکه موضوع جرم اجیرکننده و برنده یا وادارکننده است، پس از آن هم موضوع شهوترانی غیر قرار می‌گیرد، هرچند ممکن است این بزه‌دیده نیز حسب مقررات کیفری ویژه کودکان قابل مجازات باشد، اما وجود و حضور فرد مجرم دیگری برای تحقق این جرم ضرورت دارد. با این همه در خصوص هرزه‌نگاری، تا پیش از سال ۱۳۹۹ به طور اختصاصی تعریفی ارائه نشده بود، اما با توسعه این پدیده زشت و غیر انسانی در جامعه، قانونگذار داخلی را بر آن داشت تا اقدام جدی‌تری برای رفع این معضل نماید، بدین‌منظور با تبعیت از قوانین بین‌المللی، مقرراتی به قانون حمایت از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

اطفال و نوجوانان اضافه نمود که به موجب بند ۵ ماده ۱۰ این قانون هرزه‌نگاری کودکان عملی مذموم و جرم تلقی شده و مرتکب را مستحق مجازات می‌داند، به نوعی که اظهار می‌دارد: «هر شخصی که مرتکب بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیارگرفتن، وادار یا اجیرکردن برای هرزه‌نگاری یا سوءاستفاده جنسی شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد، لیکن در بند «ح» ماده ۶ قانون مذکور سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی مکلف گشته، تا هرگونه برنامه و آثاری که ساخته، تولید و پخش می‌شود، می‌بایست با موازین اخلاقی و تربیتی کودکان هماهنگ باشد، در غیر این صورت با ضمانت اجراهای پیش‌بینی‌شده رو به رو خواهد شد.

۳-۵-۲. سوءاستفاده از کودک برای توریسم جنسی: این‌گونه سوءاستفاده که نقض اساسی حقوق اطفال و نوجوانان محسوب می‌گردد، به طور کلی عبارت است از «سوءاستفاده جنسی (از کودک) توسط جهانگردان یا بازرگانان و مسافران خارجی از داخل یا خارج منطقه» (۱۵)، البته در عصر مسافرت ارزان هوایی، بیش از همه، بازرگانان و گردشگران کشورهای توسعه‌یافته و دیگر کشورهای در حال توسعه، طالب این نوع سوءاستفاده هستند. تعدادی از آن‌ها به دلیل پایین‌تربودن خطر افشاشدن و زندان‌رفتن و یا به امید آنکه در روابط جنسی با کودکان خطر ایدز (HIV) و زگیل تناسلی (HPV) کمتر است، به کشورهایی که چنین خدمت‌هایی را ارائه می‌کنند، سفر می‌نمایند. کشورهایی که از آن‌ها تحت عنوان «مراکز توریسم جنسی» یاد می‌شود، عبارتند از: «تایلند، تایوان، آرژانتین، اروگوئه، فیلیپین، بنگلادش، بنین، برزیل، کامبوج، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، مکزیک، ساحل عاج، کوبا، جمهوری دومینیکن، زئیر، السالوادور، گواتمالا، گینه، سنگال، هاییتی، ویتنام، هندوستان، اندونزی، مالی، موریتانی، مراکش، پرو، کره و کنیا» (۱۶)، بدین‌ترتیب با عنایت به مقررات بین‌المللی مربوطه می‌توان اذعان داشت که سوءاستفاده از کودک برای مقاصد جنسی (به ویژه از طریق اینترنت) در سطح بین‌المللی زشت و ناپسند بوده و از کودکان در برابر این نوع سوءاستفاده تا حدودی حمایت شده است، اما در سطح ملی قانونگذار به آن توجه ویژه نموده، به طوری که در بند ۸ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان اشعار می‌دارد: «واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آن‌ها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آن‌ها به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد.»

بحث و نتیجه‌گیری

کودکان از جمله اقشار آسیب‌پذیر جامعه‌اند که به لحاظ ضعف‌های شناختی و جسمانی در مقایسه با بزرگسالان، بزه‌دیدگی آن‌ها و توجه به فرایندی که درگیر آن می‌شوند، مقتضی بررسی و دقت بیشتری است. با بررسی وضعیت‌های مخاطره‌آمیز که خود منجر به بزه‌دیدگی کودکان می‌گردد، به این موضوع پی بردیم کودکان ممکن است در وضعیتی قرار گیرند که زمینه ارتکاب بزه را به وجود می‌آورد. این وضعیت که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان از آن به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز یاد شده است، برگرفته از شرایطی است که گاه والدین و گاه جامعه در پیدایش آن نقش ارادی و غیر ارادی دارند. این وضعیت معلول سوءرفتار یا خوداری از انجام تکالیف قانونی می‌گردد. سوءرفتار والدین بیشتر بر آزار جسمی و روانی تمرکز دارد و در قالب رفتارهایی همچون ضرب و جرح و طرد روحی کودکان بروز می‌یابد که منجر به ایجاد

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

وضعیت مخاطره‌آمیز می‌شود، البته آسیب‌های اجتماعی هم از نتایج سوءرفتار والدین هستند که اطفال و نوجوانان را در وضعیت مذکور جای می‌دهند.

طریقه، رفع وضعیت مخاطره‌آمیز و عطف به شرایط عادی زندگی، نیازمند مداخله ارگان‌های جامعوی با تأکید بر پیکره خانواده است. از این جهت اولین، مهم‌ترین، نزدیک‌ترین و اثرگذارترین افراد به روی اطفال و نوجوانان، خانواده است. این مداخله به منظور مراقبت از اقدامات حمایتی کودکانیست که در معرض خطر هستند و با توجه به رهانیدن آن‌ها از وضعیت مخاطره‌آمیز اقدام متناسب با وضعیت حاکم اعمال می‌گردد، لیکن هر کودکی که در معرض خطر است حمایت ویژه‌ای را می‌طلبد که با کودک در معرض خطر دیگر متمایز است. گاهاً وقوع وضعیت مخاطره‌آمیز ناشی از اقدامات عمدی والدین همچون آسیب‌های جسمی و روانی خفیف است که در این صورت والدین ناگذیر به تعلیم آموزش‌های تربیتی هستند و گاهی اوقات شدت آسیب‌ها به نحوی است که علاوه بر الزام به آموزش، واکنش کیفری نیز پیش‌بینی نموده است.

گاهی هم وضعیت مخاطره‌آمیز ناشی از شرایطی همچون ضعف تمکن مالی است که والدین از رفع آن عاجزاند. از همین روی، چنین ضعف‌هایی است که جرائم ارتکابی علیه کودکان را اغلب با خشونت و آسیب‌های گسترده معنوی و روانی همراه می‌کند.

با بررسی ضمانت اجرای سازمان‌های مذکور در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان دریافتیم که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در نظر دارد اکثر ارگان‌های کشور را به خدمت گیرد تا حقوق کودکان تأمین شود. به همین خاطر با تدوین مواد ۶، ۲۰ و ۲۷ قانون مذکور تلاش نموده تا ۱ـ قوه قضاییه از طریق ایجاد دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان و از طریق دادستان‌ها در شهرستان‌ها؛ ۲ـ سازمان بهزیستی کشور و در سطح شهرستان‌ها و بخش‌ها ادارات بهزیستی به ویژه از طریق مددکاران اجتماعی؛ ۳ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از طریق پلیس ویژه اطفال و نوجوانان؛ ۴ـ سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی کشور و در سطح شهرستان و بخش‌ها زندان‌ها و کانون اصلاح و تربیت؛ ۵ـ وزارت کشور و در سطح شهرستان‌ها و بخش‌ها فرمانداری‌ها و بخش داری‌ها و احتمالا شهرداری‌ها؛ ۶ـ وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و در سطح شهرستان و بخش‌ها اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی؛ ۷ـ وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و در سطح شهرستان‌ها و بخش‌ها ادارات بهداشت؛ ۸ـ وزارت آموزش و پرورش و در سطح شهرستان‌ها و بخش‌ها ادارات آموزش و پرورش؛ ۹ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی؛ ۱۰ـ مقامات، رؤسا و مدیران کلیه دستگاه‌های اجرایی شامل قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران، اعم از سازمان‌ها و مؤسسات و دانشگاه‌ها، شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دولتی، شرکت‌های بیمه دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی (در مواردی که آن بنیادها و نهادها از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند)، مؤسسات عمومی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان قانون اساسی، بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند. همچنین دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت نمایند، نظیر وزارت جهاد کشاورزی، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، سازمان گسترش نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان توسعه و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت‌های تابعه آن‌ها، ستاد اجرایی و قرارگاه‌های سازندگی و اشخاص حقوقی وابسته به آن‌ها) را به کار گیرد تا در مسیر رشد کودک اجحافی صورت نگیرد که البته هر کدام در صورت عدم رعایت این حقوق با ضمانت اجرای قانون مذکور رو به رو می‌گردند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Salimi S. Human trafficking and the fight against it in Iranian criminal law. Social Welfare Quarterly. 2016; 7(26): 265-286. [Persian]

2. Asadi H . The research book about world crisis. 1st ed. Tehran: Islamic Propaganda Organization Publications; 1993. [Persian]

3. Ashtari B. Trafficing in women a Contemporary Slavery. 2nd ed. Tehran: Andisheh Betrer; 2010. [Persian]

4. International Labor Organization. A Future Without Child Labor. Geneva: International Labour Office; 2002.

5. Khaleghi A. Human trafficking from the perspective of international documents and Iranian law. 1st ed. Tehran: Tendesh Publications; 2007. [Persian]

6. O'Donnel D. Child protection (A handbook for Parliamentarians). Switzerland: SRO-kunding; 2006.

7. Mir Mohammad Sadeghi H. International Criminal Law. 7th ed. Tehran: Mizan Publications; 2022. [Persian]

8. Rezazadeh A. Children and youth defending lagal workshop. 1st ed. Tehran: Jungle Publications; 2021. [Persian]

9. Levin L. Exploitation of child workers. Translated by Mirabzadeh KH. Jahan Health. 2007; 3: 14-31.

10. Ghayor S. Child labor or deprivation of the natural right to education. Translated by Sarmad GH-A. Culture Letter. 1999; 31: 174-183. [Persian]

11. Sotoudeh H, Mirzaei B, Pazand A. Criminal Psychology. 11th ed. Tehran: Avai Noor Publishing House; 2022. [Persian]

12. Danesh T. Who is a criminal - What is criminology. 12th ed. Tehran: Kayhan Publications; 2013. [Persian]

13. Norinejad M. Protection the rights of child and adolescent victims in the criminal law of Iran and other countries. Tehran: Satellite Publications; 2021. [Persian]

14. Farahi H. Minors are the new sex object. Correctional and Tarbiat Monthly. 2015; 22: 12-29. [Persian]

15. Abachi M. Juvenile Justics system in UN documents. 2nd ed. Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly; 2008. [Persian]

16. Chester T. A practical guide to childrens books. Translated by Qayini Z. Quarterly Journal of Information Research and Public Libraries. 1994; 4(3-4): 77-86. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-10]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.